قدس
خط قرمز
www.qudsonline.ir
دوشنبه ۳ آبان ۱۳۹۵
۲۲ محرم ۱۴۳۸
۲۴ اکتبر ۲۰۱۶
سال بیست و نهم | شماره ۸۲۴۶
پست الکترونیک
INFO@QUDSONLINE.IR

خط حادثه

سارق شب روی جاده کارن اعتراف کرد

سرقت برای تأمین ۹۰۰هزار تومان مخارج اعتیاد

خط قرمز: معتاد ۴۷ ساله‌ای که برای تأمین هزینه‌های اعتیادش، دزدی می‌کرد، برای هشتمین بار توسط پلیس مشهد دستگیر شد.
گزارش خبرنگار ما به نقل از سرکلانتر شمال پلیس مشهد حاکی است، این متهم روز شنبه و در جریان اجرای طرح تشدید مبارزه با سرقت‌های شبانه توسط مأموران کلانتری خلق‌آباد دستگیر شد.
سرهنگ بزرگی گفت: مأموران دایره آگاهی کلانتری خلق آباد در جریان اجرای مرحله دیگری از طرح تشدید مبارزه با سرقت‌های شبانه در حوزه استحفاظی خود، با کنترل و مراقبت‌های نامحسوس، مرد ۴۷ ساله‌ای را که از عاملان سرقت در محدوده جاده سیمان مشهد بود در حال دزدیدن یک خودروی پیکان به دام انداختند.
وی افزود: کارآگاهان در بررسی سوابق این سارق متوجه شدند که او هفت سابقه کیفری در کارنامه‌اش دارد و برای هشتمین بار است که دستگیر شده است.
این متهم پس از دستگیری اعتراف کرد که به ماده مخدر کریستال اعتیاد داشته و برای تأمین هزینه موادمخدر مصرفی‌اش که ماهانه به ۹۰۰ هزار تومان می‌رسد، دست به سرقت می‌زده است.
این متهم در ادامه اظهاراتش به کارآگاهان تأکید کرد که اعتیاد شدید به موادمخدر عامل تمام بدبختی‌ها و زندگی فلاکت بار او بوده و رنجی که طی سال‌های زندگی‌اش متحمل شده است.
به گفته سرهنگ بزرگی تحقیقات و بازجویی از این سارق حرفه‌ای برای کشف سایر سرقت‌ها و جرایم احتمالی وی همچنان ادامه دارد.

درگیری مسلحانه دو خانواده در اسماعیل آباد مشهد

خط قرمز: چهار نفر از عاملان اصلی نزاع دسته جمعی و مسلحانه در اسماعیل آباد مشهد دستگیر شدند.
فرمانده انتظامی مشهد با اعلام این خبر گفت: ظهر روز شنبه شهروندان ساکن در منطقه اسماعیل آباد مشهد در تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ از وقوع درگیری دسته جمعی منجر به شمشیرکشی و تیراندازی با اسلحه شکاری خبر دادند.
سرهنگ محمد بوستانی افزود: تیم‌های گشتی کلانتری ۳۰ سپاد مشهد بلافاصله برای پیگیری موضوع وارد عمل شدند و در یک عملیات ضربتی چهار نفر از عاملان اصلی این نزاع دسته جمعی را دستگیر کردند.
تحقیقات اولیه حاکی از آن بود که ۵ نفر و در پی اختلاف‌های خانوادگی با استفاده از شمشیر و اسلحه شکاری با یکدیگر به مشاجره و نزاع پرداخته‌اند.
وی اظهار داشت: در بازرسی از محل درگیری ۹ عدد پوکه و یک تیر فشنگ اسلحه شکاری کشف شده و تحقیقات از متهمان برای دستیابی به علت و چرایی وقوع این درگیری ادامه دارد.
فرمانده انتظامی مشهد گفت: خوشبختانه با افتتاح کلانتری ۳۰ سپاد در منطقه اسماعیل آباد و همکاری آگاهانه شهروندان قانون مدار و سازمان‌های دیگر، شاهد برقراری نظم و انضباط اجتماعی در این منطقه از شهر و ارتقای احساس امنیت بوده‌ایم.
سرهنگ بوستانی به وقوع درگیری‌های خانوادگی و حتی دو خودکشی به علت اختلاف‌های خانوادگی طی روزهای اخیر در مشهد اشاره کرد و گفت: آنچه توجه به آن ضروری به نظر می‌رسد، این است که شهروندان باید به مهارت‌های حل مسأله، مهارت‌های ارتباطی و به خصوص کنترل خشم توجه بیشتری داشته باشند و برای حل مشکل و اختلاف‌های خود از راه‌های قانونی، منطقی و عقلانی و همچنین کارشناسان متخصص مشاوره خانواده کمک بگیرند.
وی اظهار داشت: کارشناسان مجرب مشاوره در دوایر اجتماعی کلانتری‌های مشهد نیز آماده ارایه خدمات رایگان مشاوره‌ای به شهروندان عزیز می‌باشند تا از چنین وقایع تأسف باری پیشگیری شود.

حادثه مرگبار دیگری در مترو تهران رقم خورد

ایرنا: یک بانوی ۳۵ ساله شنبه شب بر اثر برخورد با قطار مترو کرج – تهران، جان خود را از دست داد.
یک منبع آگاه شامگاه شنبه افزود: خانمی ۳۵ ساله ساعت ۲۱ و ۱۰ دقیقه به هنگام ورود قطار مترو به ایستگاه کرج - تهران، خود را به جلو انداخت و بر اثر شدت جراحت‌های زیاد جان خود را از دست داد.
در همین رابطه، شرکت بهره برداری مترو تهران در اطلاعیه ای اعلام کرد: این خانم به دلیل تجاوز به حریم ریلی، جان باخته است.
تاکنون هیچ یک از مدیران شرکت مترو درباره جزییات بیشتر این حادثه اظهار نظر نکرده اند، اما این چهارمین حادثه ای است که در طول یک ماه گذشته در مترو تهران رخ داده است و چهار نفر از شهروندان به دلیل تجاوز به حریم ریلی جان خود را از دست دادند.
پیش از این تجاوز به حریم ریلی در ایستگاه‌های شادمان، چیتگر و تهران پارس باعث جان باختن سه نفر از شهروندان تهرانی شده بود.

ادعاهای متقابل یک پیرمرد و یک زن جوان

کاسکوی سخنگو بهانه آدم ربایی‌های پیچیده

خط قرمز: مرداد ماه جاری بود که مأموران اداره یازدهم آگاهی با معمای پیچیده آدم ربایی روبه رو شدند.
پیرمردی که برای کمک خواهی به کارآگاهان این اداره مراجعه کرده بود به افسر بازجوی پرونده خود گفت چند وقتی بود که با دختری جوان در پارک محله خودمان آشنا شده بودم. با او که صحبت می‌کردم متوجه شدم او یک کاسکوی بسیار زیبا در خانه‌اش دارد و این آغاز آشنایی ما شده بود. با او صحبت کردم و قرار شد این کاسکو را به من بفروشد. دائما امروز و فردا می‌کرد تا اینکه یک روز قرار شد مرا به ویلای کرجش ببرد. تمامی فرزندان من خارج از کشور هستند و این خانم که خودش را ملیحه معرفی کرده بود از تمام جزییات زندگی من باخبر شده بود و حتی می‌دانست در حساب‌های بانکی من چه مقدار پول است. قرار بود که به ویلای او برویم اما او در میانه راه مرا به همراه دو مرد جوان دزدید و به ویلای کرجش انتقال داد. در آنجا مرا آزار و اذیت می‌کردند و دایماً پشت مرا می‌سوزاندند تا اینکه با یکی از نگهبان‌های ویلا صحبت کردم. آدم ربایان از من پول میلیونی می‌خواستند و می‌گفتند باید با خانواده‌ات تماس بگیری و به آن‌ها بگویی پول به حساب‌هایت بریزند تا ما از آن‌ها پول برداریم. به نگهبان آنجا قول دادم که مقدار زیادی پول به او بدهم تنها به شرط اینکه بتواند کاری کند من فرار کنم او نیز به من اعتماد کرد و طناب‌های دستم را شل کرد تا توانستم از معرکه فراری شوم. بعد از آن نیز به تهران آمدم و از آن‌ها شکایت کردم.
پس از تشکیل پرونده این موضوع در شعبه چهارم بازپرسی دادسرای ناحیه ۲۷، دستورات لازم برای بازداشت دختر جوان صادر شد و بزودی در اواخر هفته گذشته مأموران با راهنمایی‌های دختر جوان توانستند یکی از مردان جوان را که در امر آدم ربایی و آزار پیرمرد مشارکت کرده بود دستگیر کنند.
پس از دستگیری متهمین، آن‌ها که در ابتدا منکر هرگونه شناختی نسبت به پیرمرد بودند هنگام روبه رو شدن با ادله در پرونده، نخست دختر جوان لب به اعتراف گشود و اینگونه گفت که این پیرمرد با بهانه نشان دادن کاسکوی سخنور مرا به خانه‌اش کشاند و مرا مورد آزار و اذیت قرار داد تا اینکه با یک مرد آشنا شدم و به او ماجرا را گفتم که چنین نقشه‌ای را طراحی کردیم.
اما متهم مرد پرونده تنها زمانی که با پیرمرد رو در رو شد چاره‌ای جز اعتراف ندید و بالاخره لب به اعتراف در مورد آدم ربایی صورت گرفته گشود. تحقیقات در زمینه پرونده همچنان ادامه دارد.

با وعده ازدواج در مشهد صورت گرفت

کلاهبرداری استاد قلابی دانشگاه از شش زن جوان

خط قرمز- سعید کوشافر: مرد جوان وارد آژانس هواپیمایی شد و درخواست یک بلیت برای اولین پرواز به تهران را داشت، به محض اینکه اپراتور آژانس مشغول جست وجو برای جای خالی در پروازهای آن روز بود، مرد جوان سرحرف را باز کرد و گفت اگر امروز تا عصر به تهران نرسد فرصت سخنرانی در یک کنفرانس مهم و بزرگ را از دست می‌دهد.
زن جوان نگاهش را از پشت مانیتور به مرد دوخت، هنوز چیزی نپرسیده بود که مرد چرب زبان گفت که استاد و عضو هیأت علمی دانشگاه است و مقاله مهمی به کنفرانس ارسال کرده، اما متأسفانه به دلایلی تاریخ برگزاری را درست متوجه نشده و امروز صبح خبردار شده که باید به تهران برود.
زن تلاشش را کرد و در نهایت توانست از یک کنسلی برای این استاد دانشگاه بلیت بخرد، مرد که بسیار خرسند به نظر می‌رسید ضمن تشکر و پرداخت پول خواست که شماره زن جوان را در اختیار داشته باشد تا برای دفعات بعدی با او تماس بگیرد و بلیت رزرو کند.
این داستان آشنایی زن جوان کارمند آژانس با استاد جوان دانشگاه بود، او بعد از آن پیام تشکر فرستاد و سپس از خودش و شغلش گفت از اینکه توانسته مراتب علمی را با موفقیت طی کند، اما در زندگی شخصی‌اش دچار مشکل است و برغم قبولی با نمره‌های بالا در آزمون‌های مختلف در عشق ورزی همیشه نمره صفر گرفته است. این استاد جوان دانشگاه می‌گفت که تا به حال نتوانسته با هیچ زن یا دختری آشنایی بلندمدتی داشته و هرکس هم مدتی با او آشنا شده، فقط دنبال منافع خودش بوده و همین باعث شده تا او به همه زنان و دختران بدبین شود.
استاد جوان این شکست‌ها را ناشی از سادگی خودش می‌دانست و اینکه به خاطر اهتمام زیادش به درس و دانشگاه نتوانسته نبض زندگی در جامعه را به دست بیاورد. زن جوان هم او را دلداری می‌داد و می‌گفت که همه زن‌ها آن گونه که او فکر می‌کند نیستند و در میان زنان انسان‌های بامحبت و وفادار هم زیاد هستند.
گفت وگوهای استاد جوان و زن کارمند اندک اندک رنگ عاطفی به خود گرفت به گونه‌ای که روزی نبود که این دو جوان صبح‌شان را با تماس یکدیگر شروع نکنند و شامگاه را به هم شب بخیر نگویند.
استاد جوان بعد از چند ملاقات حضوری و گفت وگوی مفصل با زن کارمند به این نتیجه رسید که او زن زندگی‌اش را یافته و به خاطر همین از او خواستگاری کرد. زن جوان هم که این جوان استاد را مرد ایده‌آل و رؤیایی بسیاری از دختران و زنان می‌دید، بلافاصله جواب مثبت داد تا نامزدی آن‌ها آغاز شود.
زن جوان از آن روز رویاهای طلایی‌اش را واقعیت یافته می‌دانست از دیگر سو هم استاد جوان خود را خوشبخت‌ترین مرد می‌دانست که توانسته قلب زنی باوفا و زیبا را تسخیر کند.
تا اینکه آن روز فرا رسید، نزدیک ظهر بود که استاد جوان با نامزدش تماس گرفت، زن جوان سخت مشغول کار بود، اما به تماس پاسخ داد، استاد جوان مدعی بود که خودروی بسیار خوبی برای خرید پیدا کرده، یکی از همکارانش چک دارد و ۱۰۰ میلیون کسری، به خاطر همین حاضر است ماشینش را زیر قیمت بازار بفروشد و او هم که مدت‌ها چشمش دنبال خرید ماشین رئیس گروه بوده حالا می‌تواند به پایین‌ترین قیمت صاحب خودرو شود، فقط مشکلی که وجود دارد او برای خرید ماشین فقط ۱۰ میلیون تومان کم دارد. زن جوان معطل نشد و گفت که تا لحظاتی دیگر تمام موجودی حسابش را برای استاد جوان حواله می‌کند، رقمی کمتر از ۱۰ میلیون بود اما کار استاد جوان را راه می‌انداخت.
دختر جوان پس از کارت به کارت کردن پول در رویا خود را بر صندلی خودروی لوکسی تصور می‌کرد که پشت فرمانش استاد جوان نشسته و در مقابل فامیل رژه می‌رود. او عصر که راهی خانه می‌شد با استاد جوان تماس گرفت تا بیاید و ماشین را به او هم نشان دهد و با هم دوری در شهر بزنند، اما تلفن خاموش بود، گمان کرد که شارژ گوشی تمام شده است.
تا شب منتظر ماند و هرچه تماس گرفت جواب همان بود، شب را با هزار دلهره به صبح رساند، اما روز بعد هم حکایت همان بود. نگران شد، اما وقتی بیشتر با خود فکر کرد دید که جز همین خط موبایل هیچ نشانی از جوان ندارد، دیگر جای درنگ نبود، تازه فهمیده بود که چه کلاهی سرش رفته، پس راهی آگاهی شد تا شکایت از نامزدش را ثبت کند.
او در راهروی آگاهی با پنج زنی روبه رو شد که همه آن‌ها مانند او بودند و همه از استاد جوان شاکی شده بودند، همه آن‌ها مالباخته‌هایی بودند که فریب زبان چرب مرد جوان را خورده و به وعده ازدواج اموالشان را به باد داده بودند.
پلیس آگاهی دستگیری این مرد را در دستور کار خود قرار داد و خیلی سریع‌تر از آنچه جوان کلاهبردار فکر می‌کرد او را بازداشت کردند.
این مرد کلاهبردار که تحت عنوان جعلی استاد دانشگاه توانسته بود اعتماد زنان را جلب کند و با وعده ازدواج و آینده‌ای روشن آن‌ها را سرکیسه نماید در حالی که قصد داشت پول‌هایش را تبدیل به ارز کرده و از کشور خارج شود، مقابل گیشه صرافی دستگیر شد و در مقابل زنان شاکی به اتهامش اعتراف کرد، اما آیا حتی در صورت باز گرداندن پول‌های زنان می‌تواند احساسات به تاراج رفته آن‌ها را هم بازگرداند.
این روایت داستانی است آموزنده برای تمام زنان در سن ازدواج که هرگز فریب زبان چرب و عناوین فریبنده را نخورند، درباره هر مردی که خود را خاطرخواه آن‌ها نشان می‌دهند، تحقیق کنند و با احترام به رسوم خانواده ایرانی، برخی امور را به بزرگان فامیل بسپارند. بگذارند خواستگاری با حضور دو خانواده و براساس رسوم پسندیده برگزار شود و پس از آشنایی‌های معمول مراسم نامزدی برگزار شود.
در عین حال حادثه مشابهی در همین حوالی رخ داد و با تلاش کارآگاهان آگاهی خراسان رضوی فردی که با جعل عنوان دکتر و عضو هیأت علمی دانشگاه اقدام به کلاهبرداری از شش خانم جوان کرده بود، شناسایی و دستگیر شد.
رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی، با اعلام این خبر گفت: در پی مراجعه خانمی که مرجوعه قضایی مبنی بر اینکه توسط فردی مورد کلاهبرداری و اغفال قرار گرفته است در دست داشت پیگیری موضوع به صورت ویژه در دستور کار قرار گرفت.
سرهنگ حمید رزمخواه افزود: با توجه به اهمیت موضوع کارآگاهان اداره مبارزه با جرایم اقتصادی پلیس آگاهی خراسان رضوی تحقیقات خود را آغاز کردند. وی خاطرنشان ساخت: زن جوان در اظهارات خود به کارآگاهان گفت در یکی از دفاتر آژانس هواپیمایی در مشهد مشغول به کار بوده و چندی پیش با مرد جوانی که خود را دکتر و از اعضای هیأت علمی یکی از دانشگاه‌های بزرگ کشور معرفی می‌کرد و به دفتر مراجعه داشت آشنا شده است. سرهنگ رزمخواه گفت: مرد جوان از این خانم خواستگاری می‌کند و آن‌ها با هم قرار ازدواج می‌گذارند. اما مرد کلاهبردار با ترفندی در آخرین ملاقات مبلغ هفت میلیون تومان از او قرض گرفته و متواری می‌شود. رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی گفت: با انجام چهره نگاری و پیگیری سرنخ‌های موجود، کارآگاهان متهم پرونده را شناسایی و در حالی او را تحت تعقیب قرار دادند که چند زن دیگر نیز با همین ترفند طعمه جوان کلاهبردار شده بودند.
سرهنگ رزمخواه تصریح کرد: پس از چند روز کار گسترده پلیسی کارآگاهان متهم پرونده که جوانی ۲۸ ساله است را در یک صرافی در حین خرید ارز، شناسایی و دستگیر کردند. متهم صراحتاً به جعل عنوان و کلاهبرداری از زنان جوان اعتراف کرده و تاکنون شش مالباخته از این فرد اعلام شکایت کرده‌اند. وی از شهروندان خواست در صورتی که شکایتی از این متهم کلاهبردار دارند هرچه سریع‌تر برای پیگیری موضوع به پلیس آگاهی خراسان رضوی مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۵۱-۲۱۸۳۷۰۰ تماس بگیرند.

بعد از دوبار تأیید حکم قصاص صورت گرفت

بخشش جوانی که در ۱۸ سالگی آدم کشت

خط قرمز: جوانی که در ۱۸ سالگی در درگیری با جوان دیگری وی را با ضربه چاقو به قتل رسانده بود ۷ سال پس از این نزاع خونین توانست با پرداخت دیه به اولیای دم از قصاص نجات یابد.
این حادثه به روز ۱۴آبان‌ماه سال ۸۸بر می‌گردد. در آن روز درگیری ۲پسر جوان در منطقه خزانه رنگ خون به‌خود گرفت و یکی از آن‌ها که از ناحیه پا به‌شدت مجروح شده بود به بیمارستان منتقل شد اما ساعتی بعد به‌دلیل خونریزی و شدت جراحات وارده جان خود را از دست داد. با مرگ این جوان تحقیقات برای دستگیری متهم به قتل آغاز شد.
بررسی‌های اولیه حاکی از آن بود که متهم فراری و مقتول هر دو فروشنده بودند و از مدتی قبل بر سر جلب مشتری با یکدیگر اختلاف داشتند و حتی چندبار نیز با یکدیگر در خیابان زد و خورد کرده بودند تا اینکه آخرین درگیری آن‌ها به جنایتی خونین تبدیل شد.
هرچند هویت متهم به قتل برای پلیس مشخص بود اما هیچ‌کس از مخفیگاه وی اطلاعی نداشت تا اینکه چند روز بعد از قتل، پسر جوان که در روستایی در شمال کشور مخفی شده بود نزد مأموران پلیس رفت و خودش را تسلیم کرد. به این ترتیب وی در شعبه ۷۴دادگاه کیفری استان تهران محاکمه و با رأی قضات دادگاه به قصاص محکوم شد.
متهم معتقد بود که در دفاع از خودش مرتکب قتل شده و به حکم دادگاه اعتراض کرد. با این دفاع بود که وقتی پرونده برای بررسی نهایی روی میز قضات عالی‌رتبه دیوان‌عالی کشور قرار گرفت آن‌ها رأی دادگاه را نقض کردند و پرونده را به شعبه هم‌عرض فرستادند.
در دومین دور از رسیدگی به پرونده این جنایت خیابانی که این بار در شعبه ۷۱دادگاه کیفری برگزار شد بار دیگر متهم حرف‌های گذشته‌اش را تکرار کرد اما هیأت قضایی بار دیگر برای وی حکم قصاص صادر کرد و این بار این رأی در دیوان‌عالی کشور تأیید و آماده اجرا شد. در شرایطی که متهم روزهای سرنوشت‌سازی را سپری می‌کرد خانواده‌اش تلاش کردند تا رضایت اولیای دم را جلب کنند. هر چند آن‌ها ابتدا حاضر به بخشش نبودند اما سرانجام با دریافت دیه قاتل را بخشیدند تا متهم در سومین دور از محاکمه به لحاظ جنبه عمومی جرم محاکمه شود.
در این جلسه که در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی محسن زالی‌بوئینی و با حضور قاضی اسلامی برگزار شد، ابتدا نماینده دادستان با قرائت کیفرخواست خواستار مجازات متهم به لحاظ جنبه عمومی جرم شد، سپس متهم در جایگاه ایستاد و در دفاع از خودش گفت: من و مقتول بر سر مشتری‌هایمان با یکدیگر اختلاف داشتیم. روز حادثه من با پدرم قدم‌زنان از خیابان رد می‌شدیم که ناگهان مقتول سوار بر خودروی پرایدش با سرعت به طرف ما آمد و می‌خواست من را زیر بگیرد که من زود متوجه شدم و خودم را کنار کشیدم.
همان موقع از شدت عصبانیت چاقویی از جیبم درآوردم و به طرف ماشینش پرتاب کردم. چاقو به شیشه عقب پراید برخورد کرد و شیشه شکست. او کمی جلوتر خودرواش را متوقف کرد و درحالی‌که یک شمشیر در دست داشت پیاده شد و با یکدیگر درگیر شدیم. در این بین من با چاقو ضربه‌ای به ران پایش زدم و فرار کردم و مدتی بعد فهمیدم که او فوت شده است. ابتدا ترسیده و مخفی شده بودم اما بعد تصمیم گرفتم خودم را تسلیم کنم. آن زمان من ۱۸سال بیشتر نداشتم و اشتباه بزرگی مرتکب شدم. من ۷سال از عمرم را در زندان گذرانده‌ام و از قضات دادگاه می‌خواهم که من را ببخشند.در پایان این جلسه، قضات دادگاه وارد شور شدند و متهم را به تحمل حبس محکوم کردند.

سوزاندن مدرک جرم هم کارساز نشد

پایان ماجرای سرقت با لباس پلیس در آگاهی تهران

خط قرمز: چهار مرد که با معرفی کردن خود به عنوان مأمور انتظامی از اتباع افغانی اموالشان را سرقت می کردند بالاخره توسط مأموران اداره پنجم آگاهی شناسایی و بازداشت شدند. با گذشت سه ماه از این پرونده هنوز تحقیقات ادامه دارد.
۱۲ تیر ماه سال جاری بود که مأموران کلانتری ۱۳۲ نبرد در جریان سرقتی در حوزه استحفاظی خود قرار گرفتند. زمانی که موضوع مورد بررسی مأموران قرار گرفت مشخص شد یک مرد از اتباع افغان مورد سرقت قرار گرفته است.
در ادامه مالباخته به افسر بازجوی پرونده خود گفت که دو نفر با لباس نظامی و سوار بر یک خودروی پارس جلوی مرا گرفتند و خود را به عنوان مأموران امنیتی آگاهی معرفی کردند.
زمانی که سوار بر ماشین شان شدم از من کارت شناسایی خواستند و مدتی نیز مرا در شهر گرداندند. زمانی که از ماشین شان پیاده شدم متوجه شدم که مقدار یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان از کارت‌هایم کم شده است که آن‌ها مدارک و کارت‌های مرا گرفته بودند. سریعا در همانجا با کلانتری تماس گرفتم.
پس از ثبت این موضوع تلاش‌ها برای دستگیری این مأموران قلابی به دستور بازپرسی شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۳۴ در اختیار مأموران اداره پنجم آگاهی قرار گرفت. تلاش‌ها برای دستگیری سارقان در حالی ادامه داشت که در روز ۲۴ تیر ماه سال جاری مرد میانسالی با مراجعه به دادسرا اعلام کرد خودروی پارس مرا دو مرد ملبس به لباس انتظامی دزدیده‌اند. با ثبت این موضوع در سامانه مشخص شد در یکی از پارکینگ‌های پلیس یک ماشین سوخته وجود دارد که صبح همان روز ۲۴ تیر به آتش کشیده شده بود. موضوع برای دستگیری سارقان این پارس سفید رنگ نیز در حالی ادامه داشته که با توجه به یکی بودن خودروها تصمیم گرفته شد تصویر راننده به مشاهده یکی از مالباختگان که ادعا می کرد سارقان را کاملا دیده است، برسد.
این مالباخته با هویت غلام در همان لحظه اول سارق را شناسایی کرد و اعلام کرد این مرد همان راننده پارس بود که در صندلی جلو نشسته بود و لباس نظامی نیز به تن داشت و یک نفر دیگر نیز با ریش‌های بلند و ملبس در صندلی پشتی نشسته بود. در شکایت‌های دیگر این دو سارق از دو نفر دیگر نیز سرقت کرده بودند.
با توجه به این موضوع متهم اصلی دستگیر و در اختیار مأموران اداره پنجم آگاهی قرار گرفت. او که در ابتدای موضوع منکر هرگونه ارتباطی با پرونده سرقت‌ها بود در زمان مواجهه حضوری با مالباختگان چاره‌ای جز اعتراف ندید و پس از دو ماه بالاخره با صدور کیفرخواست برای پرونده، متهمان به زندان رجایی شهر منتقل شده بودند.
با این حال مالباخته ای که سارقان را با ریش بسیار دیده بود موفق به شناسایی نشد و اعلام کرد که هیچکدام از اینها سارقان از او نیستند. پس از مدتی مالباخته دوباره به اداره پنجم آگاهی احضار شد و زمانی که با چهره ریشدار یکی از متهمان روبه رو شد موفق به شناسایی آن‌ها شد.
با مشخص شدن این موضوع در پرونده و به دستور بازپرس علی وسیله ایردموسی، متهمین برای بار دیگر در اختیار مأموران اداره پنجم آگاهی قرار گرفتند تا بزودی تحقیقات در زمینه جرایم احتمالی دیگر آن‌ها نیز مشخص شود.

مرگ دختربچه ۶ ساله حین عمل جراحی

فارس: دختری ۶ ساله سه روز پیش به دلیل دل درد و استفراغ، به بیمارستانی در کرج منتقل شد؛ اما به دلایل نامعلوم حین یک جراحی ساده جان خود را از دست داد.
خانواده دخترکی ۶ ساله سه روز پیش به دلیل دل درد و استفراغ فرزندشان، آن را به بیمارستانی در کرج منتقل می‌کنند. بیمار توسط پزشک ویزیت و در نهایت آپاندیسیت برای آن تشخیص داده می‌شود عملی که روزانه در بسیاری از بیمارستان‌های کشور انجام می‌شود ولی این خانواده کودک را داغدار می‌کند. این خبر را نخستین بار یکی از اقوام کودک به رسانه‌ها اعلام می‌کند تا شاید دلیل مرگ آن پیگیری شود.
بهزاد کلانتری، معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی البرز در خصوص فوت دختر ۶ ساله اظهارداشت: بیمار در ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه صبح روز ۲۸ مهرماه مطابق برگه تریاژ پرونده اورژانس با علائم درد شکم و استفراغ مراجعه می‌کند که در ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه توسط پزشک اورژانس ویزیت می‌شود و تحت نظر در اورژانس قرار می‌گیرد. وی ادامه داد: مجددا در ساعت ۱۵:۳۰ توسط متخصص طب اورژانس ویزیت شده و با تشخیص احتمالی آپاندیسیت حاد در ساعت ۱۸:۳۰ به بخش منتقل می‌گردد که از زمان انتقال به بخش تا انتقال به اتاق عمل چهار بار توسط دو تن از متخصصین جراحی بیمارستان ویزیت می‌شود که با توجه به معاینات انجام شده و پاسخ آزمایشات با تشخیص آپاندیسیت به اتاق عمل منتقل می‌شود و بیهوشی توسط متخصص بیهوشی با داروهای بیهوشی معتبر وبا دوز تعیین شده برای کودک آغاز می‌شود که متاسفانه بعد از بیهوشی و قبل از شروع عمل جراحی کودک دچار ایست قلبی می‌شود که بلافاصله عملیات احیا توسط تیم اتاق عمل و گروه احیای قلبی و ریوی بیمار آغاز می‌گردد ولی متاسفانه موفق نبوده است و کودک فوت می‌کند.
معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی البرز ضمن اظهار تاسف عمیق و تسلیت به خانواده محترم کودک اظهار داشت: بررسی دلیل فوت کودک بلافاصله شروع شد و کمیته مرگ و میر بیمارستان در تاریخ ۳۰ مهر با حضور تیم نظارت بر درمان و معاون درمان دانشگاه تشکیل شد و اقدام لازم در خصوص معرفی متوفی به پزشکی قانونی و اقدام لازم جهت تعیین علت فوت توسط پزشکی قانونی انجام شد.
کلانتری در پایان با بیان اینکه تا قبل از اعلام نتایج اقدام‌های انجام شده توسط پزشکی قانونی اقدامی مقدور نیست، گفت: بعد از اخذ نظریه نهایی از پزشکی قانونی مراتب اعلام خواهد شد. درفشی، رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان البرز در این ارتباط گفته است: متأسفانه پس از تزریق داروی بیهوشی حال عمومی این بیمار رو به وخامت می‌رود و دقایقی بعد فوت می‌کند.
درفشی گفت: بلافاصله مأموران و بازرسان دانشگاه علوم پزشکی و پزشکی قانونی به بیمارستان مراجعه و تمام آزمایش‌ها، مراحل پذیرش و اقدام‌های انجام شده را مورد بررسی قرار می‌دهند.
وی افزود: اقدام‌های لازم برای پذیرش و عمل جراحی توسط تیم پزشکی بیمارستان انجام شده و حتی دو پزشک متخصص بیهوشی نیز در بیمارستان حضور داشته‌اند.

قدس خط قرمز
۲
دوشنبه ۳ آبان ۱۳۹۵
۲۲ محرم ۱۴۳۸
۲۴ اکتبر ۲۰۱۶
سال بیست و نهم | شماره ۸۲۴۶
پست الکترونیک
INFO@QUDSONLINE.IR
www.qudsonline.ir

خط خبر

برخورد خشن پلیس آمریکا با یک دختر بچه

واشنگتن پست: فایل ویدئویی در فضای مجازی منتشر شده که دو افسر پلیس آمریکا را در حالی نشان می‌دهد که برخوردی خشن با دختر نوجوان سیاه‌پوست دارند.

خشونت و نژادپرستی جزو لاینفک پلیس آمریکا است و هرجا پای پلیس آمریکا به ماجرایی باز می‌شود همه منتظر رفتار توام با خشونت و نژادپرستانه پلیس هستند.

بر اساس گزارش واشنگتن‌پست، در موردی جدید از خشونت پلیس آمریکا در قبال سیاه‌پوستان، دو افسر پلیس مترو شهر واشنگتن‌دی‌سی در برخورد با یک دختر نوجوان سیاه‌پوست رفتاری خشن از خود نشان دادند.

به نوشته واشنگتن‌پست، رفتار خشونت‌آمیز این دو افسر پلیس فقط به دلیل آن رخ داد که دختر نوجوان از دور انداختن بسته چیپس و آب‌نبات خودداری کرده بود.

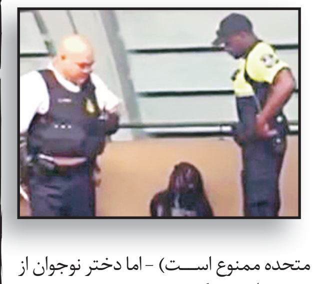

ماجرا از این قرار است که دختر نوجوان که یک بسته چیپس و یک بسته آب‌نبات همراه دارد وارد ایستگاه مترو می‌شود و افسران پلیس مترو به وی بابت واردکردن موادغذایی به مترو اخطار می‌دهند -(خوردن و نوشیدن در ایستگاه‌های قطار پایتخت ایالات متحده ممنوع است) - اما دختر نوجوان از دورانداختن بسته چیپس و آب‌نباتش خودداری می‌کند.

خودداری دختر نوجوان سیاه پوست با واکنش خشونت‌بار پلیس مواجه می‌شود؛ واکنشی که توسط یکی از رهگذران فیلمبرداری و مستند می‌شود.

در حال حاضر این دو افسر پلیس با اتهام استفاده از نیروی بیش از حد روبه‌رو هستند

این ویدئو سه دقیقه‌ای توسط یکی از اعضای گروه مشکلات زندگی سیاهان در آمریکا فیلمبرداری شده و نشان می‌دهد که دختر نوجوان از اینکه مطابق میل افسران رفتار کند امتناع می‌کند و خودداری وی باعث می‌شود که افسران پلیس به وی دستبند بزنند.

دزدی مسلحانه از طلافروشی در بلژیک

یورو نیوز: سه مرد نقابدار و مسلح به کلاشینکف به یک طلافروشی در بلژیک حمله کردند.

به گفته پلیس بلژیک دزدان مسلح روز (شنبه) با تهدید کارمندان مغازه، مقادیری از جواهرات آن را با خود برده و در جریان سرقت دست‌کم دو بار شلیک کردند.

در این حادثه که در یک مرکز تجاری در نزدیکی «شارلروآ» واقع در جنوب بلژیک روی داد، کسی آسیب ندید و دزدان نیز با خودروهایی که احتمالاً پلاک دزدی داشته‌اند توانستند از محل فرار کنند. به گزارش یورونیوز، هیچ ارتباطی میان این رویداد با گروه‌های تروریستی یافت نشده است. در عین حال نیروهای امنیتی محلی مرکز تجاری را برای ساعاتی تخلیه کردند.

فجیع ترین مرگ یک زن در تصادف با اتوبوس

دیلی میل: زنی در تصادف با اتوبوس جان خود را از دست داد درحالی که جنازه‌اش حدود نیم مایل روی زمین کشیده شد.

زنی در منهتن آمریکا در تصادف با اتوبوس جان خود را از دست داد و مسیری حدود نیم مایل توسط اتوبوس روی زمین کشیده شد.

به گزارش دیلی میل، این حادثه در ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر روز جمعه درست در ساعت شلوغی در منطقه Financial این شهر رخ داد.

مسؤولان پلیس نیویورک گفتند این زن که نام او هنوز مشخص نشده است، زیر اتوبوس به فاصله چند بلوک ساختمانی کشیده شده است چراکه راننده اتوبوس متوجه نشده، اتوبوس با چیزی برخورد کرده باشد.

یک شاهد که در صحنه حضور داشت گفت: این راننده پس از اینکه شخصی در خیابان به در اتوبوس کوبیده و گفته که این زن توسط اتوبوس زیر گرفته شده است، اتوبوس را نگه داشته است.

نیروهای پلیس و اورژانس پس از حضور در صحنه حادثه این خانم را از زیر قسمت عقبی اتوبوس بیرون کشیدند اما به دلیل ضربه‌های وارده شدید به بدن و سرش مرگ وی اعلام شد.

قتل یک خلافکار با سلاح سرد در زندان انگلستان

دیلی میل: یک زندانی با ضربات چاقوی هم‌سلولی خود به قتل رسید.

باسانا کیمبمبی ۳۴ ساله به جرم به قتل رساندن هم‌سلولی خود در زندان پنتونویل در شمال لندن انگلستان متهم است.

بر اساس گزارش‌های پلیس، کیمبمبی که به جرم سرقت به مدت ۵ سال و نیم باید در زندان به سر می‌برد، روز سه‌شنبه به دلایل نامعلوم به هم‌سلولی‌های خود با چاقو حمله کرد و در پی این حادثه یک نفر جان خود را از دست داد و دو نفر دیگر به شدت زخمی‌شدند.

به گزارش دیلی میل، جمال محمود ۲۱ ساله که به جرم اقدام‌های خلاف قانون متهم به ۶ سال و نیم زندان بود با ضربات چاقوی هم‌سلولی خود به قتل رسیده است.

بر اساس این گزارش، کیمبمبی باید برای دفاع از خود در دادگاه حاضر شود اما هنوز تاریخی برای این مسأله مشخص نشده است.

گفتنی است، بعد از وقوع این حادثه سازمان زندان‌های انگلستان درباره امنیت زندانی‌ها در این کشور ابراز نگرانی کرد.

آب‌میوه‌ای که برای زن جوان ۹ میلیون آب خورد

خط قرمز: در میانه‌های راه شاهرخ آبمیوه‌ای به من داد که با خوردنش بیهوش شدم و شاهرخ در مکان خلوتی طلاها و لوازمم را سرقت کرد.

ساعت ۱۸ دهم اردیبهشت ۹۳ زن سی و شش ساله‌ای هراسان به کلانتری ۱۵۰ تهرانسر مراجعه کرد و اظهار داشت توسط پسر جوانی مورد سرقت قرار گرفته است، وی در ادامه اظهاراتش به مأموران گفت: مدتی قبل با پسری به نام شاهرخ آشنا شدم و او با اصرار مرا سوار بر پراید سبز رنگش کرد، شاهرخ از من پرسید شغلت چیست و من به او گفتم لباس‌فروش هستم او شماره تلفنم را از من خواست، در ابتدا شماره‌ام را به او ندادم اما وی مدعی بود که می‌تواند با دسته چک برایم از بازار جنس بگیرد به همین خاطر شماره تلفنم را به او دادم.

وی ادامه داد: روز سرقت قرار شد با او به یک تولیدی لباس برویم، سوار بر ماشینش شدم اما پس از مدتی به او اصرار کردم که برگردیم اما شاهرخ مرا متقاعد کرد که قرار است به سمت تولیدی برویم، در میانه‌های راه شاهرخ آبمیوه‌ای به من داد که با خوردنش بیهوش شدم پس از آن چیزی نفهمیدم و وقتی به هوش آمدم متوجه شدم شاهرخ مرا در مکان خلوتی رها و پنج النگو، یک دستبند و تلفن همراهم را سرقت کرده است. ارزش اموال سرقتی‌ام تقریبا ۹۰ میلیون ریال بود. پس از طرح شکایت زن جوان تیمی از مأموران اداره آگاهی برای دستگیری شاهرخ دست به کار شدند و در ابتدای تحقیقات با ردیابی تلفن همراه سرقتی موفق به شناسایی زن جوانی به نام «پروانه» شدند.

پروانه پس از دستگیری در اظهاراتش به مأموران گفت: مدتی قبل زمانی که قصد داشتم از منزلم به محل کار بروم با شاهرخ در خیابان آشنا شدم و شاهرخ اصرار داشت که شماره تلفنم را از من بگیرد، من هم به خاطر اینکه آبرویم در خیابان نرود مجبور شدم شماره تلفنم را به شاهرخ بدهم و آن روز ارتباط ما قطع شد اما از فردای آشنایی شاهرخ مدام تماس می‌گرفت و می‌گفت طلافروش است، سرانجام شاهرخ مجددا با من قرار گذاشت و به او گفتم نمی‌خواهم با هم ارتباط داشته باشیم و همچنین گفتم تلفنم خراب است، اما شاهرخ دست‌بردار نبود و تلفن همراهی را به من داد و نمی‌دانستم که تلفن سرقتی است.

با کشف این سرنخ مأموران برای دستگیری شاهرخ وارد عمل شدند اما تلاش‌ها اثربخش نبود، همچنین مشخص شد شاهرخ به جرم سرقت پرونده‌ای در یکی از شعبه‌های دادسرای ناحیه ۳۴ تهران در حال رسیدگی دارد و در آن پرونده نیز تاکنون دستگیر نشده است.

سرانجام شاهرخ که در زندان رجایی‌شهر در حبس بود، شناسایی و به اداره آگاهی منتقل شد، شاهرخ در اداره آگاهی با پروانه و شاکی سرقت مواجهه حضوری شدند و در اظهاراتش به مأموران گفت: به خاطر جرم اول خودم نزدیک دو ماه در آگاهی بودم و بعد زندان رفتم، من شاکی را نمی‌شناسم و اظهاراتش را قبول ندارم، اظهارات شاهرخ در حالی مطرح شد که شاکی پرونده و پروانه شاهرخ را شناختند اما وی همچنان منکر سرقت از زن جوان بود.

شاهرخ پیش از ظهر دیروز به شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران منتقل و سرانجام به سرقت از زن جوان اعتراف کرد.

وی در اظهاراتش به علی وسیله ایرد موسی بازپرس پرونده گفت: زن جوان را با آبمیوه مسموم و تلفن همراهش را سرقت کردم، پس از آن با پروانه آشنا شدم و تلفن همراه سرقتی از زن جوان را به پروانه دادم.

شاهرخ درباره یکی دیگر از سرقت‌هایش که از زن جوان دیگری در عبدل‌آباد انجام شده بود به بازپرس گفت: برای خرید به عبدل‌آباد رفته بودم که با زن جوانی آشنا شدم حدود یک ماه از آشنایی‌ام با او می‌گذشت و در نهایت تلفن همراه و مقداری طلا از او سرقت کردم. پس از اظهارات شاهرخ وی به دستور علی وسیله ایرد موسی برای تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران اداره آگاهی قرار گرفت و بازپرس پرونده از شهروندان خواست در صورتی که از تاریخ ۴ مرداد ۹۳ به قبل بدین شیوه مورد سرقت قرار گرفته‌اند به پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران و یا شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران مراجعه کنند.

سرقت پلیس‌های قلابی از دو تبعه ایتالیایی و اردنی

خط قرمز: تحقیقات مأموران پلیس آگاهی برای شناسایی و دستگیری مأموران قلابی که از دو تبعه ایتالیایی و اردنی سرقت کرده بودند همچنان ادامه دارد.

شانزدهم مهر امسال مرد جوانی که خود را تبعه ایتالیا معرفی می‌کرد با مراجعه به مأموران پلیس مدعی شد دو مرد پلیس از او و دوستش که تبعه اردن است ۷۰۰ یورو و ۲۵۰ هزار تومان سرقت کرده‌اند.

مرد جوان در شکایتش به مأموران پلیس گفت: چندی قبل به همراه دوست اردنی ام وارد ایران شدیم. ساعتی قبل در حال تردد در خیابان ظفر بودیم که دو سرنشین خودرو پژو سفید رنگی سد راه ما شدند و خود را مامور پلیس مخفی معرفی کردند. آنها چند سؤال به صورت انگلیسی دست و پا شکسته از ما پرسیدند و ادعا کردند ما مشکوک هستیم و باید بازرسی بدنی شویم.

مرد ایتالیایی ادامه داد: مرد قوی هیکلی ما را گشت و تمام پول نقد همراهمان را از ما گرفت. آنها سریع سوار خودرو شده و فرار کردند.

با ثبت این شکایت پرونده در دستور کار مأموران پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

در حال حاضر تیمی از کارآگاهان اداره مبارزه با سرقت به عنف مشغول بررسی پرونده برای دستگیری دو سارق مأمورنما هستند.

انهدام باند زورگیری در شرق پایتخت

خط قرمز: رئیس کلانتری ۱۱۰ شهدا از دستگیری سه عضو یک باند زورگیری در محدوده خیابان پیروزی خبر داد و گفت:متهمان در بازجویی های انجام شده به ۳۵ فقره سرقت و زورگیری اعتراف کردند.

سرهنگ «احد الله یوسفوند»، در گفت و گو با پایگاه خبری پلیس گفت:چندی پیش مأموران انتظامی این کلانتری حین گشت زنی در خیابان پیروزی با سه جوان که در حال زورگیری از دو شهروند بودند مواجه شدند.

وی افزود: طی یک عملیات ضربتی هر سه متهم بازداشت و به همراه شاکیان به کلانتری منتقل شدند؛ در بازجویی های انجام شده هر سه متهم به جرم خود مبنی بر زورگیری و سرقت از شهروندان اعتراف و اذعان کردند که به مدت یک سال است با هم دوست هستند و اقدام به سرقت می کنند.

سرهنگ یوسفوند بیان کرد: متهمان در بازجویی های تکمیلی به ۳۵ فقره سرقت و زورگیری از شهروندان ساکن محدوده های پیروزی، ۱۷ شهریور، شکوفه، میدان خراسان و خیابان خاوران اعتراف کردند.

به گفته رئیس کلانتری ۱۱۰ شهدا، پرونده تشکیل و هر سه متهم به پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل شدند.

در مشگین شهر رخ داد

مرگ قاتل فراری زیرچرخ‌های کامیون

ایرنا- قاتل فراری در شهرستان مشگین شهر پس از قتل همسرش به هنگام فرار با خودروی پراید با یک دستگاه کامیون برخورد کرده و در زیر چرخ‌های آن به طرز فجیعی جان باخت.

این مرد عصر شنبه در منزل مسکونی خود واقع در شهرک فرهنگیان مشگین شهر همسر میانسال خود را با ضربات چماق بطرز فجیعی کشته بود.

این قاتل پس ازارتکاب جرم به هنگام رانندگی در جاده کمر بندی مشگین شهر با یک دستگاه کامیون ولوو برخورد کرد و در دم کشته شد.

شدت این حادثه به حدی بود که سواری پراید به آهن پاره‌ای تبدیل شد و از جسد راننده آن تنها قسمتی از بالا تنه در محل حادثه بدست آمد.

راننده مصدوم کامیون ولوو دیروز گفت: راننده پراید در وضعیت عادی نبود و با خروج از مسیر خود به سوی کامیون او حرکت کرده و زیر چرخ‌های خودرو رفته است. سرگرد شایقی کارشناس پلیس راه استان اردبیل نیز علت این سانحه را انحراف به چپ سواری پراید اعلام کرد.

در حال حاضرجزئیات بیشتر این حادثه ازجمله علت وانگیزه قتل توسط کارآگاهان پلیس در دست بررسی می‌باشد.

خواستگاری خودسرانه به کلانتری کشید

باخت مرد جوان در بازی زن کلاهبردار

خط قرمز- طوبی ساقی: سرو وضع ژولیده و به هم پاشیده‌ای داشت. سرش را تکان می‌داد و پشیمانی و ندامت در نگاهش دیده می‌شد. پشیمانی و ندامت از سه ماه غفلت و پول بی زبانی که برای برگزاری مجلس عروسی خود پس انداز کرده بود.

به گزارش خط قرمز، محمود ۲۴سال دارد او در یک شرکت کار می‌کند. مرد جوان برای پی گیری شکایت خود به کلانتری ۴۲مشهد مراجعه کرده بود. محمود گفت: سه ماه قبل از طریق یکی از دوستانم با مبینا آشنا شدم. این ارتباط در فضای مجازی حس و حال عمیقی به خود گرفت و مرا اسیر احساس و هوس کرد. از مادرم خواستم به خواستگاری‌اش برویم. رفتیم ولی دست خالی برگشتیم. مادرم از شدت عصبانیت سگرمه‌هایش را در هم کشیده بود. به او گفتم تا لحظه خواستگاری از ازدواج قبلی مبینا و طلاقش بی‌خبر بوده‌ام. روز بعد با مبینا قرار ملاقات گذاشتم. گفت شوهرش معتاد بوده و حالا نیز در عقد موقت مرد دیگری است. باور نمی‌کردم چه می‌شنوم. تصمیم گرفتم برای همیشه فراموشش کنم. دو هفته گذشت. روزی ۱۰۰بار زنگ می‌زد تا با هم صحبت کنیم. تهدیدم می‌کرد اگر به حرف‌هایش گوش نکنم خودکشی خواهد کرد. مبینا باز هم نقش بازی کرد.او با مظلوم نمایی اظهار داشت: به خاطر قرض ۸میلیونی پدرش مجبور شده به این ازدواج موقت تن بدهد و البته هنوز به دیدن آن مرد نرفته است. محمود افزود: دوباره خام شدم و احساسات هیجانی افسارم را به دست گرفت تا مرا به اینجا بکشاند.

من ۸میلیون تومان پول بی‌زبان را دو دستی تحویلش دادم .از آن به بعد دیگر جوابم را نداد. مبینا قول داده بود که در کمتر از دو ماه این پول را جور کند و برگرداند. دیشب رفته بودم جلوی خانه‌اش. برادرانش بیرون آمدند و با من دست به یقه شدند. کارمان به کلانتری کشیده شد. هم کتک خورده ام و هم به اتهام ایجاد مزاحمت و درگیری باید جوابگو باشم. ضمن آن که برای پولی که باخته ام نیز هیچ مدرکی ندارم و نمی‌دانم چه طور ادعایم را اثبات کنم. درباره این ماجرا نظر یکی از مدرسان مجرب مهارت های زندگی را جویا شدیم. نازنین بیات مختاری به خط قرمز گفت: نیازهای عاطفی برآورده نشده در خانواده، فاصله عاطفی و کمبود محبت و صمیمیت بین اعضای خانواده، ناآگاهی از خطرهای فضای مجازی و اعتماد بی جا، ناتوانی در کنترل احساس و رفتارهای تکانه‌ای، اقدامات خودسرانه بدون توجه به قوانین،شخصیت ناجی و احساس گناه و مسؤولیت بی جا از جمله علت‌هایی هستند که در بروز این مشکل نقش داشته‌اند.

وی افزود: متأسفانه همیشه شاهد کلاهبرداری افرادی از طریق اینترنت و فضای مجازی هستیم که در اغلب آنها افرادی که تحت تاثیر احساس و اعتماد بی جا بدون توجه به عواقب و احتمالات ناشی از این عمل به شکل خودسرانه دست به کارهای عجولانه مانند دادن مبلغی به طرف مقابل، ارایه اطلاعات و مسایل شخصی و خصوصی خود به طرف مقابل که در آینده موجب سواستفاده و تهدید واقع می‌شود و اقداماتی از این قبیل که فرد طعمه، از ترس آبرو و خانواده و فاش شدن راز مخفی مرتکب اعمالی می‌شود که نه تنها مشکل را حل نمی‌کند بلکه موجب به وجود آمدن مشکلات بیشتر می‌شود و هر لحظه بیشتر به عمق فاجعه فرو می‌رود.

در اکثر این موارد نیازهای عاطفی بر طرف نشده شخص در خانواده و بی‌توجهی والدین به فرزندان موجب کشیده شدن آنان به ارتباط‌های خارج از منزل و فضاهای مجازی می‌شود و متأسفانه برای رفع عطش، توجه، تأیید و محبتی که همواره به دنبال آن بوده چنان وابستگی‌هایی در طرف مقابل ایجاد می‌کند که شخص حاضر است باج بدهد و حتی برای حفظ رابطه ممکن است تن به خواسته‌های نامعقول او بدهد.

کارشناش مرکز مشاوره پلیس خراسان رضوی گفت : کسانی که دچار چنین مشکلی می‌شوند چنانچه اطلاع کافی از قانون،حقوق فردی و تهدیدهای این حوزه نداشته و با توجه به احساس ناامنی در خانواده و پنهان کاری های متعدد به راحتی در دام کلاهبرداران و شیادان می‌افتند این افراد زمانی متوجه اشتباه خود می‌شوند که کار از کار گذشته است.

در این حالت اگر اتفاقی خارج از قانون شرع یا عرف صورت گرفته باشد سکوت و ترس از آبروی فرد اغفال شده به پنهان ماندن جرم و تکرار آن کمک می‌کند. در این ماجرا نیز اگر فرد قبل از اقدام به واریز مبلغ مورد نظر با خانواده خود مشورت می‌کرد و درگیر احساس مسؤولیت و عذاب وجدان بیجا نسبت به این زن نمی‌شد می توانست منطقی تر به این رابطه نگاه کند و به جای گردن گرفتن مشکلات و دروغ‌ها و اشتباه‌های فرد مقابل از راه‌های مناسب و منطقی استفاده می‌کرد دچار چنین مشکلاتی نمی‌شد. در نهایت کسانی که برای خود و آرامش خود احترام قایل‌اند، کسانی که نه گفتن قاطعانه به درخواست های غیر منطقی اطرافیان را بدون احساس گناه آموخته‌اند، کسانی که مهارت حل مسأله و ارتباط مؤثر با خانواده را می‌دانند و کسانی که در حوزه قانون و شرع قدم برمی‌دارند هرگز دچار چنین مشکلاتی نخواهندشد.

خط گزارش

نقاط حادثه خیز قتلگاه ۳۰ درصد مسافران

۵۰۰ میلیارد تومان پول برای نجات جان ۲ هزار ایرانی نداریم!

مهدی کاهانی مقدم

هفته قبل همزمان با ایام تاسوعا و عاشورای حسینی بعد از یک وقفه کوتاه مهرماهی دوباره جاده‌های کشور پذیرای خیل عظیمی از خودروهایی بود که با استفاده از تعطیلات حدود یک هفته‌ای برای رسیدن به شهر و روستای خود و انجام مراسم سوگواری درزادگاهشان پای بر پدال فشرده بودند.

دراین میان با توجه به برودت هوای پاییزی و بارش باران دربرخی محورها دوباره شاهد افزایش حوادث و تصادفاتی بودیم که در آن‌ها خانواده‌ای یا دغدار شده یا باید شاهد یک عمر معلولیت عزیزانشان باشند، اینها جدای از خسارت‌های سنگین اقتصادی و اجتماعی است که به کشور وارد می‌شود و سرمایه‌های مادی وانسانی را به باد می‌دهد.

این همه درحالی است که می‌دانیم کشور ما با وجود روند نزولی تعداد قربانیان تصادفات جاده‌ای طی چند سال اخیر، همچنان درصدر لیست کشورهای رکورد دار در این زمینه قرار دارد.

هرچند طی این سالها اقدام‌های مختلفی از سوی دستگاه‌های متولی ترافیک جاده ای به منظور کاستن از آمار تلفات و تصادفات صورت گرفته اما خروجی کار این دستگاه‌ها به رغم صرف هزینه‌های سنگین، نتوانسته آنطور که باید و شاید در رفع این معضل مؤثر باشد و بسیاری از مشکلات در ۲۲۰ هزار کیلومتر جاده‌های کشور همچنان پابرجا باقی مانده است.

خسارت ۲۴۰۰ میلیارد تومانی

یکی از مهم‌ترین این مشکلات، معضل محل‌های حادثه خیز در جاده‌های کشور است که همواره بیشترین تعداد قربانیان تصادفات را در این محل‌ها شاهد بوده‌ایم. تا جایی که اخیراً و بنابه گفته رئیس پلیس راه نیروی انتظامی با احتساب دو هزار مرگ در محل‌های حادثه خیز، سالانه حدود دو هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان خسارات مالی به کشور وارد می‌کند.

به گفته سردار سرتیپ دوم محمدحسین حمیدی، با مطالعات انجام شده از سوی مرکز مطالعات پلیس راهور ناجا، خسارت مستقیم مالی هر مرگ در تصادفات، یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان می‌باشد که خسارت دو هزار و ۴۰۰ میلیارد تومانی محل‌های حادثه خیز، جدا از سایر خسارات جانبی، زخمی‌ها و ایجاد مشکلات اجتماعی برای افراد است.

اعتبار کافی نداریم

وی اما در ادامه این اظهاراتش به مشکل همیشگی دستگاه‌های مسؤول، یعنی کمبود اعتبار اشاره می‌کند و می‌گوید: با اعتبارات فعلی امکان اصلاح محل‌های حادثه خیز وجود ندارد و با توجه به فرمایش مقام معظم رهبری مبنی بر این که نیروی انتظامی و دستگاه‌های مسؤول باید تلاش کنند، آمار تلفات و تصادفات جاده ای به طور مستمر کاهش یابد؛ قطعا باید همه دستگاه‌های مسؤول بخصوص مراجع قانون‌گذار اعتبارات ویژه‌ای را برای اصلاح سریع محل‌های حادثه خیز اختصاص دهند تا بتوانیم به فوریت از حداقل دو هزار مرگ ناشی از تصادفات در سال جلوگیری کنیم.

سردار حمیدی اضافه می‌کند: برابر آخرین جمع بندی‌های پلیس راه حدود سه هزار و ۴۰۰ محل حادثه خیز در جاده‌های برون شهری کشور وجود دارد که وضعیت ۱۵۰۰ محل از این تعداد بحرانی است و حجم زیادی از تصادفات فوتی و جرحی در آنها رخ می‌دهد.

وی با تاکید بر این که بررسی‌های پلیس راه نشان می‌دهد حدود ۳۰ درصد تصادفات جاده‌ای در محل‌های حادثه خیز رخ می‌دهد، یادآور می‌شود: این حوادث در نقاطی رخ می‌دهد که آدرس آنها کاملاً مشخص و علایم و تابلوهای آشکارساز نیز در آنها نصب شده است.

در همین حال برخی منابع تعداد محل‌های حادثه خیز در جاده‌های برون شهری را نزدیک به هفت هزار ذکر می‌کنند که با توجه به نبود علایم و تابلوهای آشکارساز در این محل‌ها، به نظر می‌رسد از چشم مسؤولان دور مانده و یا سقف بودجه و اعتبارات حتی برای نصب علایم در این محل‌ها جوابگو نبوده است.

نقاط حادثه‌خیز تولید می‌کنیم

مسأله نقاط حادثه‌خیز در جاده‌های برون‌شهری کشور زمانی جدی‌تر می‌شود که تعریفی را که از این نقاط در کشورمان ارائه می‌شود، با تعریف کشورهای پیشرفته مقایسه کنیم. هادی هاشمی، رئیس پیشین پلیس راهور پایتخت در این باره گفته است: در کشورهای پیشرفته اگر در محلی طی دو سال یک یا دو حادثه اتفاق بیفتد، آن محل را نقطه حادثه‌خیز می‌دانند، اما در کشورمان اگر طی یک سال بیش از پنج حادثه در محلی اتفاق بیفتد، آن را نقطه حادثه‌خیز می‌دانند.

این درحالی است که باید توجه نکردن به نگهداری از راه‌ها را نیز به عنوان یکی دیگر از دلایل حل نشدن مشکل نقاط حادثه‌خیز جدی گرفت.

در کشورهای پیشرفته ۶ درصد ارزش راه را سالانه به نگهداری از آن اختصاص می‌دهند، اما در کشور ما یک درصد ارزش راه را برای نگهداری از آن اختصاص می‌دهند، که البته نیم‌درصد آن هم محقق نمی‌شود.

هاشمی در این باره می‌گوید: چنین رویکردی سبب تخریب راه و افزایش نقاط حادثه‌خیز می‌شود. این درحالی است که نقاط حادثه‌خیز در کشورمان تولید می‌شود، چراکه راه‌های غیراستاندارد ساخته می‌شود.

با توجه به آمار تصادفات و گفته‌های مسؤولان و کارشناسان، به جرأت می‌توان گفت که حفظ ایمنی مسافران و کاهش آمار قربانیان سوانح ترافیکی، ادعایی است که تاکنون از حرف فراتر نرفته؛ چراکه اگر غیر از این بود، رفع نقاط حادثه‌خیز قدری شتاب می‌گرفت.

فاصله وحشتناک هزینه و فایده

مؤید این نکته اظهارات مدیران سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای کشور است که از به موقع نرسیدن و تخصیص نیافتن اعتبارات این سازمان گلایه مندند.

به گفته مدیرکل ابنیه فنی سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای کشور، نقاط حادثه خیز هر سه سال یک بار شناسایی و نسبت به رفع آنها اقدام می‌شود، امسال هم حدود ۱۵۰۰ نقطه حادثه‌خیز و پرتصادف شناسایی شده که برای رفع آنها به ۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز است. حال با توجه به اعلام پلیس راه کشور که طی سه سال گذشته ۵۳۰۰ نفر در ۱۵۰۰ محل حادثه خیز قربانی تصادف شده اند، با احتساب اینکه هر مرگ در تصادف یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان خسارت در پی دارد، با یک حساب سرانگشتی این تعداد محل حادثه خیز دست کم ۶ هزار و ۳۶۰ میلیارد تومان خسارت به اقتصاد کشور وارد کرده در حالی که رفع این نقاط تنها ۵۰۰ میلیارد تومان بودجه نیاز داشته است. ضمن آن که علاوه بر از دست رفتن هزاران عزیز و جگرگوشه و سرپرست خانوار، خسارات سنگین و غیرقابل محاسبه روحی، روانی و جسمی بر مردم تحمیل شده است.